

## زندگینامه فارابی

محمد بن محمد بن طرخان ملقب به ابونصر فارابی و مشهور به معلم ثانی از بزرگترین فیلسوفان مسلمان است او را ترک تبار و از اهالی فاراب دانسته‌اند. تاریخ تولد او را ۲۶۰ هـ. ق و سال وفاتش را ۳۳۹ هـ. ق گفته‌اند. فارابی یکی از شارحان برجسته آثار ارسطو است. در نشر اندیشه یونانی در میان مسلمین سهمی بسزا دارد وی را به این جهت معلم ثانی خوانده‌اند که پس از ارسطو کسی را به رتبه او در آگاهی بر شاخه‌های گوناگون دانش نمی‌شناختند و نیز بوده است که ابعاد گوناگون منطق را به تمامی مسلمانان شرح داده است. شرحی که فارابی از آرای ارسطو می‌دهد، آموزه‌ای ارسطویی - نوافلاطونی است.

### اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی:

می‌توان اهداف تعلیم و تربیت در نزد فارابی را چنین بیان کرد:

- ۱) آموزش عقاید صحیح و تقویت اعتقاد به آنها
  - ۲) عقایدی هم چون اعتقاد به خدا عقل فعال، جهان آخرت، سعادت و راه وصول به آن از طریق شناخت افعال و اعمالی که به سعادت منتهی می‌شود
  - ۳) آموزش مهارت‌های لازم برای تصدی وظیفه در مدینه فاضله
  - ۴) ترغیب و تشویق افراد برای انجام وظایف مدنی
- از نظر فارابی فرد نمی‌تواند به سعادت واقعی برسد مگر اینکه علاوه بر اعتقاد بر تعلیم، تأدیب نیز که عمل متناسب با عقیده است، عمل کند. که با این توضیح جایگاه هدف اول و سوم از اهداف فارابی روشن می‌شود.
- اما درباره اهداف دوم و چهارم ضرورت آموزش‌های اختصاصی از طرفی ناشی از ضرورت تقسیم کار و مسئولیت در اجتماع است، و از طرف دیگر ریشه در تفاوت‌های فردی و آمادگی‌های خاص هر فرد در آموختن دانش و حرفه‌ای خاص دارد.
- نکته:** آخر این که انجام وظایف اجتماعی، شرط رسیدن به سعادت است

### اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی

رعایت این اصول پدیدآورنده روشهایی است برای رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت که در ذیل بیان می‌شود:

- ۱) تعلیم و تربیت برای فراهم آوردن سعادت تک تک افراد جامعه است
- ۲) تعلیم و تربیت جدایی ناپذیرند، زیرا آموزشی که به باور و عمل همراه با اعتقاد و یقین منتهی نشود بی‌فایده است
- ۳) رعایت تفاوت‌های فردی از لحاظ استعداد و گرایش به علوم و صنایع ضروری است.

۴) آموزش همگانی: مقصود از آموزش همگانی این است، که آن دسته از آراء و عقایدی که شرط ضروری رسیدن به سعادت واقعی است باید به همگان آموزش داده شود.

## عوامل تفاوت شیوه تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی

۱) تفاوت های قومی و فردی:

اقوام گوناگون از حیث قدرت آموختن یکسان نیستند از این رو آموزش هر کدام با دیگری متفاوت است در نتیجه، روش تعلیم به هر قوم نیز نسبت به قوم دیگر متفاوت می شود

۲) تفاوت موضوع و مواد آموزش:

برخی از موضوعات آموزشی صرفاً از طریق الفاظ قابل تعلیم و تربیت هستند و برخی تنها به شیوه عملی قابل آموزش هستند و البته برخی دیگر می توانند از هر دو شیوه سود ببرند.

فارابی تعلیم را در یک تقسیم کلی به دو نوع تعلیم تقسیم می کند:

۱. تعلیم مسموع

۲. تعلیم به احتذاء

در تعلیم مسموع وسیله انتقال مفاهیم الفاظ هستند

در تعلیم به به احتذاء که با پیروی و تقلید عملی می شود متعلم با مشاهده افعال معلم و تقلید از او به مهارت دست می یابد.

### در آموزش های سمعی مراتبی وجود دارد که عبارتند از:

الف. طرح صحیح موضوع و ایجاد تصویری صحیح از آن

ب. ایجاد تصدیق نسبت به آنچه معلم گفته است

ت. حفظ آموخته ها

ث. در هر یک از این مراحل معلم می کوشد که آسان ترین راه را برای دستیابی به مقاصد آموزش را به کار گیرد.

ج. از نظر فارابی رعایت تفاوت های فردی و تنوع موضوعات آموزشی، به تنهایی استعداد های افراد را به

فعلیت نمی رساند، بلکه باید پس از تعلیم با تمرین در جهت ایجاد عادت های مناسب تلاش کرد.

تمرین وسیله پیشرفت و برتری افرادی است که از استعداد های مساوی برخوردارند استفاده صحیح از

استعداد و به فعلیت در آوردن آن از طریق تکرار و تمرین پدید می آید.

همچنین از نظر ایشان تنبیه و تشویق نقش مهمی در برانگیختن افراد به سوی انجام و یا عدم انجام کار دارد

و این امر موجب می شود چه افراد از انجام افعال قبیح بازداشته شوند و یا به عملی تشویق، و به انجام آن

مبادرت شود